

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۷ مارچ ۲۰۰۹

سردار محمد داوود مرحوم

و

پروژه تبلیغاتی حامد کرزی

امروز مراسمی خاص در کابل برپا گردید، که طی آن عظام رمیم مرحومان، سردار محمد داوود و سردار محمد نعیم و اعضای شهید خانواده شان به خاک سپرده شدند.

در مورد خود سردار محمد داوود و کارنامه دوگانه اش نمیخواهم چیزی بگویم، چون اگر از یکطرف تحسین برانگیز است، از جانب دیگر تحسر آور نیز هست و کیست نداند، که صاف کردن راه برای فاجعه ثور، معراج کارنامه منفی داوود خان را تشکیل میدهد. درین مورد تاریخ قضاوت خود را کرده و این قضاوت هنوز تمام نگردیده است.

من به گوشه دیگر این موضوع تماس میگیرم، که جنبه تبلیغاتی محض دارد و به نفع کسی تمام میگردد، که این پروسه را براه انداخته است.

درین ارتباط باید به صراحت تام بگویم، که :

وقتی بنا بر فرمان حامد کرزی عظام رمیم داوود خان را از زیر خاک و گورهای نامعلوم و صد در صد مکتوم، پیدا کرده و برای دفن مجددش، مراسمی با شکوه و عظیم برپا کرده اند - و بزودی زود و حتماً مقبره عالیشانی نیز برایشان اعمار خواهد گردید - باید پرسید، که :

چرا نبه اعلیحضرت غازی امان الله خان، تا این اندازه بی توجهی صورت میگیرد؟؟؟ چرا اعلیحضرت امان الله خان باید در قبری حقیر و فقیر خوابیده بماند؟؟؟ مگر اعمار آرامگاهی شایسته برای آن شاه غازی و دشمن استعمار، به نفع صد در صد کرزی نیست و باعث شهرتش در بین مردم نميگردد؟؟؟ من میگویم که آری چنین کاری حتماً به نفع کرزی است، اگر انگلیس مکار و دشمن سرسخت غازی امان الله خان اجازت بدهد!!!! از طرفی از اداره مستعمراتی کرزی نباید توقع داشت، که برای یک شخصیت "استعمار شکن" آرامگاه بسازد.*

ما همه درسالگرد استقلال امسال به چشم سر دیدیم که دولت دست نشانده، از ترس "انگلیس - بادار"، مراسم تجلیل و تقدیر از اعلیحضرت غازی را بکلی کمرنگ و توهین آمیز گرفتند، در حالی که سالروز قتل جنگسالار مشهور و نوکر اجانب - قوماندان احمد شاه مسعود - را با چه زرق و برق تجلیل کردند!!!!
گفتم که براه انداختن موضوع کشف و دفن مجدد استخوانهای سردار داوود خان، موضوعیست، که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد و این تبلیغات بدرجه اول به نفع کسی تمام میگردد، که موجد و مجری این پروسه و پروژه است. و آن کسی دیگر نیست، بجز شخص حامد کرزی.

چنانکه میدانیم، حامد کرزی از زمان اشغال افغانستان تا کنون به عناوین مختلف زمام امور اداره مستعمراتی کابل را منحصراً بدوش دارد و هنوز که هنوز است، خدمت اشغالگران دلش را نزده. آری؛ حامد خان کرزی مایل است که "شاه شجاعانه" یک دور دیگر نیز بر مصطفی ریاست جمهوری افغانستان اشغالی جلوس فرماید. حامد کرزی برای نیل بدین هدف از مدتهاست که دست و آستین را بر زده و کارهایی را سر دست میگیرد، که حکم مبارزات انتخاباتی را دارد. کرزی خود را چمتو کرده و از تکنیک هائی استفاده میکند، که برایش گویا "وجاهت" دهد و وی را در دل کسانی "شیرین" بسازد، که روزی بدرش میخورند. من بر پاره ای ازین تکنیک های مزورانه انگشت میگذارم :

- جنگهای زرگری با اشغالگران
- زار زار گریستن ها و اشک ریختن های حق و ناحق در برابر کمره های تلویزیون
- قبول نکردن آن انگلیس مشهور، ولی بدنام - که اسمش همین اکنون بخاطر من نمی آید - بحیث نماینده خاص و انسجام دهنده امور
- تیانی با جنگسالاران و جنایتکاران رنگارنگ
- نادیده گرفتن داد مظلومان از زورآوران ، و جانبگیری به نفع قدرتمندان
- پیاده کردن سیاستهای سازشکارانه در قبال رژیم هائی که در افغانستان نوکر و گماشته بسیار دارند، از قبیل روسیه و ایران و غیره
- اصدار فرمان پیش انداختن انتخابات ریاست جمهوری به ماه اپریل، که گویا مطاوعت و متابعت حامد کرزی را از قانون اساسی افغانستان نشان دهد و در واقع سه ماه اضافی بعد از دوره رسمی ریاست جمهوری او را مشروعیت و صبغت قانونی بخشد
و نکات فراوان دیگر.
درین میانه اما اصدار احکام مبنی بر تجسس و پیدا کردن گور و استخوانهای رمیم داوود خان و سپس تدفین مجدد آنها - آن هم طی مراسمی خاص و باشان و شوکت و اعزاز تمام - اوج این تبلیغات را تشکیل میدهد. حامد کرزی در واقع بدین وسیله دل طرفداران داوود خان را بدست می آورد، و قراری که میدانیم، طرفداران داوود خان در افغانستان کم هم نیستند. ادای سپاس به داوود خان، "دلشاد ساختن" بسا برادران پشتون ما نیز شمرده میشود، چون وی در نزد ایشان به خاطر ملحوظات مختلف از محبوبیت خاصی برخوردار است.
حامد کرزی این نکته را درست تشخیص داده و هدف را دقیقاً نشانه گرفته است.

و چنین تکتیک هاست که در روز انتخابات بدرد حامد کرزی خواهد خورد!!!!!!

تذکر:

* - بنده در آخر مقاله خود که معنون به "اعزاز و تبجیل اعلیحضرت غازی امان الله خان - مجموعه چار مقاله" بود و بتاریخ ۱۴ اگست ۲۰۰۸ در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر گردید، چنین نوشته بود :

»

پیشنهاد اعمار آرامگاهی باشکوه برای

اعلیحضرت غازی امان الله خان

سال ۱۹۶۴ بود و تازه از تحصیل نظامی در چکوسلوواکیا ، برگشته بودم که با جمعی از دوستان سفری به جلال آباد دست داد. از اماکن دیدنی شهر دیدن کردیم و از جمله از "سراج العمارت" که از بناء های تاریخی جلال آباد است. در مقابل آن قبر امیر حبیب الله سراج المله و الدین را دیدم که پسر نامدارش، اعلیحضرت غازی امان الله خان، در کنارش آرمیده ؛ در قبری ساده و بس محقر به بلندی چند سانتی متر و رنگ شده با "گل سفید". در همان دم افسوس ها خوردم که شخصیتی به بزرگی سیف المله و الدین اعلیحضرت غازی امان الله خان ، چرا آرامگاهی شایسته ندارد؟؟؟

اینک که از آن خاطره ۴۴ سال. تخت میگذرد و همان صحنه آئینه وار جلو چشم قرار دارد، می خواهم پیشنهاد کنم که : در زمانی که تمام احاد ملت ما به عظمت شخصیت بی نظیر اعلیحضرت غازی و به عظمت "استقلال افغانستان" پی برده اند، باید آرامگاهی معظم و در خور شان ایشان در پایتخت بناء گردیده و عظام رمیم اعلیحضرت غازی از جلال آباد بدانجا انتقال داده و با اعزاز در خور، بخاک سپرده شود.

پیشنهاد من به حیث کمترین فرد افغان اینست، که این آرامگاه در "دارالامان"، که با نام نامی "امان الله خان غازی" گره خورده و جانیست که اعلیحضرت "کابل جدید" را در آن بناء میکرد، بنیاد گردد؛ شاید در نزدیکی قصر دارالامان و یا تپه تاج بیگ و در دور و نواح آن دو!!!!!!>